

12 Synthesis of social capital and capital market in Iran

Ali Akbar Jafari Nadoushan²

Received: 01 Dec 2020

Saeed Attar²

Reception: 12 Feb 2022

Mojtaba Malek Afzali³

Investment is the main requirement for countries that are trying to achieve a satisfactory level of economic development. One of the most important markets to attract investment is the capital market. We try to answer the question that how is the synergy of social capital and the capital market? The materials collected in this research are from library sources and are expressed in a descriptive-analytical method. The findings of the article show that the capital market is influenced by social capital through variables such as trust and the cooperation between individuals to achieve economic goals and as social capital is stronger as the economy and stock market will be strengthened. The article also shows that by increasing communication, strengthening associations and increasing social participation that means boosting social capital, capital market will also be strengthened.

Keywords: Social Capital, Communication, Participation, Capital Market, Synergy.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, University of Yazd, Yazd, Iran. jafari-nadoushan@yazd.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Law and Political Science, University of Yazd, Yazd, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, University of Yazd, Yazd, Iran.

هم‌افزایی سرمایه اجتماعی و بازار سرمایه در ایران

علی اکبر جعفری ندوشن^۱

دریافت: ۹۹/۹/۲۷

سعید عطار^۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۵

مجتبی ملک افضلی^۳

چکیده

سرمایه‌گذاری، نیاز اصلی کشورهای است که تلاش می‌کنند تا به سطح قابل قبولی از توسعه اقتصادی برسند. یکی از مهم‌ترین بازارها برای جذب سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه است. در این مقاله تلاش کردیم تا با بررسی مطالعات نظری و تجربی به این پرسش پاسخ دهیم که هم‌افزایی سرمایه اجتماعی و بازار سرمایه چگونه است؟ مطالب گردآوری شده در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای است و به روش تفسیری بیان شده است. یافته‌های مقاله نشان داد که بازار سرمایه از طریق متغیرهایی مانند اعتماد‌پذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی، تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارد و هرچقدر سرمایه اجتماعی قوی‌تر باشد، بازار سرمایه نیز تقویت خواهد شد. همچنین، یافته‌های مقاله نشان داد که با تقویت سرمایه اجتماعی، بازارهای سرمایه از طریق افزایش ارتباطات، تقویت تشکلهای و افزایش مشارکت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، ارتباط، مشارکت، بازار سرمایه، هم‌افزایی

۱. استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).
jafarinadoushan@yazd.ac.ir

۲. دانشیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

مقدمه

سرمایه‌گذاری، نیاز اصلی کشورهایی است که تلاش می‌کنند تا به سطح قابل قبولی از توسعه اقتصادی دست پیدا کنند. اگر در گذشته چنین تصور می‌شد که سرمایه‌گذاری، فرآیندی است که در آن صرفاً پول به بخش‌های مولد اقتصادی تزریق می‌شود، تجربه شکست کشورهایی که توانسته بودند حجم بالایی از سرمایه‌گذاری را جذب کنند نشان داد که برای تحقق توسعه، نیاز به سرمایه‌های دیگری نیز هست. سرمایه انسانی و سپس سرمایه اجتماعی، دودسته دیگر از سرمایه‌هایی بودند که مطالعات متأخر توسعه، میزان آن‌ها در یک جامعه را برای تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه حیاتی ارزیابی کرده‌اند. بر اساس این مطالعات، سرمایه‌های خُرد می‌توانند در کنار سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، اهداف توسعه اقتصادی کشورها را با کمترین آسیب، ممکن کنند.

بازار سرمایه، مهم‌ترین بازار جذب سرمایه‌های خُرد در ایران است. با در نظر گرفتن این واقعیت که پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصاد حیاتی هستند، این بازار پلی است که پس‌انداز اشخاص و واحدهای اقتصادی دارای مازاد نقدینگی را به بنگاه‌های اقتصادی که جهت سرمایه‌گذاری بدان نیازمندند انتقال می‌دهد. به جهت اهمیت متغیرهای اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی و با توجه به ماهیت بازار سرمایه در پیوند دادن سرمایه‌گذاران به سرمایه‌پذیران، این تحقیق باهدف تبیین رابطه متقابل سرمایه اجتماعی و بازار سرمایه انجام شده است.

سؤال اصلی

هم‌افزایی سرمایه اجتماعی و بازار سرمایه در ایران چگونه است؟

فرضیه اصلی

بر اساس پژوهش‌های نظری و تجربی، نوعی رابطه مستقیم بین تقویت سرمایه اجتماعی و بازار سرمایه در ایران وجود دارد به شکلی که بازار سرمایه از طریق متغیرهایی مانند اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی، تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارد و سرمایه اجتماعی نیز از طریق افزایش ارتباطات و

مراودات اقتصادی، تقویت تشکله‌ها و افزایش کارهای گروهی در این حوزه اقتصادی تحت تأثیر بازار سرمایه قرار دارد.

۱- بازار سرمایه و سرمایه اجتماعی: مفاهیم و چارچوب

۱-۱- بازار سرمایه و سرمایه گذاری

هرچند عوامل متعددی (مانند نیروی انسانی، منابع طبیعی، فناوری و مدیریت) بر سطح تولید یک کشور تأثیر می‌گذارند اما به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سطح تولید در ایران است. اهمیت سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای است که عوامل دیگر را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (مهدوی و بهمنش، ۱۳۷۷: ۲). روشن است که در فرآیند رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری حیاتی است از جمله به این دلیل که با افزایش جمعیت و افزایش نیروی کار، نیاز به سرمایه و سرمایه‌گذاری اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

سرمایه‌گذاری در یک مکان فیزیکی یا مجازی اتفاق می‌افتد که به آن بازار می‌گویند. به‌طور کلی، بازار هر کشور از دو بخش فیزیکی و بخش مالی تشکیل می‌شود که اولی دربرگیرنده جریان کالا و خدمات و نیروی انسانی و دیگری شامل جریان وجوه، اعتبارات و سرمایه است. در بخش مالی، بازارهای مالی به دو بخش بازار پولی و بازار سرمایه تقسیم می‌شوند. عملکرد بهینه نظام اقتصادی در هر جامعه‌ای وابسته به وجود دو بخش فیزیکی و مالی کارا، قدرتمند و مکمل است. فعالیت این دو بخش در کنار یکدیگر شرط لازم و کافی برای نظام اقتصادی به شمار می‌رود چراکه عملکرد نادرست هر یک از این دو بخش بر کارکرد بخش دیگر اثر منفی می‌گذارد و تعادل باثبات و درازمدت اقتصادی را مختل می‌کند (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

سرمایه‌گذاری به معنای «صرف وجوه حال حاضر به امید دریافت عایدات بیشتر در آینده که باعث رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش مستمر تولید و صادرات و در نتیجه دستیابی به رفاه مادی و مقابله ریشه‌ای با فقر عمومی» (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۷۴: ۱۷) است. از دیدگاه کلی، سرمایه‌گذاری به معنای مصرف پول‌های در دسترس برای دستیابی به پول بیشتری در آینده است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری یعنی به تعویق انداختن مصرف فعلی برای دستیابی به امکان مصرف بیشتر در آینده (شارپ و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳). صندوق‌های بازنشستگی نمونه‌هایی هستند که مصرف را به تعویق می‌اندازند. هنگامی که

کارکنان تمام دستمزد خود را در زمان حاضر دریافت نمی‌کنند و بخشی از آن را در صندوق بازنشستگی نگه‌داری می‌کنند، در واقع مصرف خود را به تعویق می‌اندازند. به همین شیوه، هنگامی که افراد سهام یا دیگر دارایی‌های مالی را خریداری می‌کنند، در حال به تعویق انداختن مصرف هستند. این بدان معناست که آن‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

به‌طور کلی، توسعه اقتصادی مستلزم انباشت سرمایه است. از این‌رو، بازار سرمایه به‌عنوان یکی از رکن‌های بازار مالی نقش به‌سزایی در بسیج امکانات مالی و سرمایه‌ای به‌منظور رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد و هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان نقش تأمین مالی اعتبارات موردنیاز بنگاه‌های اقتصادی را بر عهده‌دارند (صنوبر، ۱۳۸۶: ۶۳). بازار سرمایه، بازاری است که در آن سرعت نقدینگی پایین بوده و اوراق بهاداری که در این بازارها معامله می‌شود سررسید بلندمدت، خطر بالا و بازده بیشتری نسبت به بازار پول دارد (مهدوی و بهمنش، ۱۳۷۷: ۳). مهم‌ترین ویژگی بازار سرمایه در این است که حال را به آینده پیوند می‌دهد و به پس‌انداز کنندگان این امکان را می‌دهد که با چشم‌پوشی از مصرف حال، مصرف خود را در آینده افزایش دهند (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

در بازار سرمایه، اوراق بهادار با سررسید بیشتر از یک سال به فروش می‌رسد. با در نظر گرفتن این واقعیت که پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصاد حیاتی هستند، بازار سرمایه به‌مثابه پلی است که پس‌انداز افراد حقیقی و واحدهای حقوقی را به بنگاه‌های اقتصادی که بدان نیازمندند انتقال می‌دهد. بنابراین بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران را با سرمایه‌پذیران ارتباط می‌دهد. از طرف دیگر، سازوکارهای تعبیه‌شده در این بازار از طریق رشد حجم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را تسریع می‌کنند. استفاده از بازار سرمایه برای تأمین مالی مخارج دولت نیز از جمله قدیمی‌ترین و متداول‌ترین شکل مبادلات مالی است. اتکای دولت‌ها به بازار سرمایه در اغلب اقتصادهای مدرن نه‌تنها از این جهت مهم است که دولت‌ها غالباً اوراق بدهی منتشر می‌کنند تا بخش عمده هزینه‌های خود را تأمین مالی کنند، بلکه استقراض دولت غالباً حجم عظیمی از کل وجوه عرضه‌شده در بازار توسط وام‌دهندگان را جذب می‌کند. واسطه‌گری‌های مالی با جذب پس‌اندازها و تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و مدیریت اوراق بهادار می‌توانند تأثیری معنی‌دار بر سرمایه‌گذاری

داشته باشند (King and Ross (1993: 717

از یک نظر، سرمایه‌گذاری دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد از جمله سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی و دارایی‌های مالی قابل دادوستد و غیرقابل دادوستد^۱. در این نوشتار منظور از سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی به‌خصوص اوراق بهادار قابل دادوستدی است که توسط سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها و شرکت‌ها منتشر می‌شود. اوراق بهادار قابل دادوستد دارایی‌های مالی‌ای هستند که به‌آسانی و با حداقل هزینه در بازارهای مالی انسجام‌یافته قابل خرید و فروش هستند. سرمایه‌گذاری روشی برای حفظ ارزش پول و کسب عایدی است. به‌هر حال، دو ویژگی اصلی سرمایه‌گذاری؛ زمان و ریسک است. از دست دادن منافع در حال حاضر قطعی و مبلغ آن معین است. اما، پاداش سرمایه‌گذاری مربوط به آینده است و مبلغ آن اغلب به‌ویژه در اوراق مالکیت نامشخص است (فبوزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷).

درواقع، سرمایه‌گذاری خرید آن دسته از ارقام دارایی است که با گذشت زمان منجر به ایجاد درآمد و افزایش ارزش برای سرمایه‌گذار خواهد شد. از این رو، هنگامی که فرد یک ورقه بهادار را خریداری می‌کند، سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است، اما خرید یک‌خانه به‌قصد سکونت سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شود چراکه خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، بازده معینی در طی زمان برای ما به وجود نمی‌آورد، اما خرید ورقه بهادار به‌طور بالقوه دارای بازده است.

هر فردی که در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری می‌کند، دارای هدف مشخصی است. او برای به دست آوردن سود و کسب منافع بیشتر به این بازار وارد می‌شود. در حقیقت شخص سرمایه‌گذار به امید به دست آوردن جریان نقد در زمان آینده از منافع کنونی چشم‌پوشی می‌کند (جونز، ۱۳۷۴: ۱۱). اگر عوامل ترغیب‌کننده برای سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد، افراد به‌طور معمول مصرف کنونی را به مصرف آینده ترجیح می‌دهند. بنابراین فرد سرمایه‌گذار باید از سرمایه‌گذاری کنونی خود انتظار به دست آوردن بازده مثبت داشته باشد و بهره‌مندی از ثروت و فرصت‌های مصرف در آینده ترغیب‌کننده وی خواهد بود.

۱-۲- ارتباطات در بازار سرمایه: نقش سرمایه اجتماعی در تقویت بازار سرمایه

بازار سرمایه، مکانی است که در آن دسته‌ای از فعالین اقتصادی باهم ارتباط برقرار

می‌کنند. از این نظر، بازار سرمایه مکان ارتباطات اجتماعی با اهداف اقتصادی است. این به معنای جاری بودن سرمایه اجتماعی در بازار سرمایه است. بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (World Bank, 2000).

به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی وجوه بارز عینی اندکی دارد که در دنیای واقعیت‌های اجتماعی قابل شناسایی باشند. این ویژگی باعث شده تا در ادبیات نظری، تعاریف بسیاری از این مفهوم ارائه شود و پژوهشگران آن را به معانی گوناگونی به کار ببرند.^۲ با این حال، یک متغیر همیشه مهم در هر معنایی از سرمایه اجتماعی وجود داشته است: «ارتباط». این یعنی هر تعریفی از سرمایه اجتماعی بدون تمرکز بر ارتباط میان افراد، تعریفی ناقص و احتمالاً نادرست است. به عنوان نمونه از نظر پیر بوردیو «سرمایه اجتماعی، مجموع منابع مجازی یا واقعی‌ای است که به یک فرد یا گروهی، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه بادوامی از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل، تعلق می‌گیرد» (Bourdieu, 1992: 119). میزان سرمایه اجتماعی یک کارگزار، به اندازه شبکه پیوندهایی است که او می‌تواند به نحوه مؤثری از آن‌ها استفاده کند و این سرمایه، به میزان سرمایه‌ای بستگی دارد که تحت مالکیت کل مجموعه کارگزارانی قرار دارد که او با آن‌ها پیوند برقرار کرده است (Bourdieu, 1996: 248-249).^۳

عبارت «ارتباط، مهم است»، محور اندیشه سرمایه اجتماعی است. در دهه ۱۹۸۰، برخی از جامعه‌شناسان، تحلیل شبکه‌ای را به عنوان یک تکنیک تحلیلی برای آزمون پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به کار گرفتند. در میانه‌های همین دهه، مارک گرانووتر با طرح مفهوم «ریشه‌داری»^۴ این فرضیه را مطرح کرد که عملکرد اقتصادی ریشه در ساختار اجتماعی دارد؛ ساختار اجتماعی‌ای که شبکه‌های اجتماعی متشکل از افراد، هسته اصلی آن است. در اواخر دهه ۱۹۸۰، او موفق شد تا در مقاله معروفش با عنوان «کنش اقتصادی و ساختار اجتماعی»^۵ ایده شبکه‌های بازاری و نقش سرمایه اجتماعی در کنش‌های اقتصادی را فرمول‌بندی کند (Zhang, 2010: 11).

درواقع، موضوع اهمیت ارتباطات از جمله مباحثی است که جایگاه مهمی در تحلیل بازار^۶ دارد: «افراد معینی مرتب همدیگر را می‌بینند؛ افراد معینی، در جستجوی افراد خاصی هستند؛

افراد معینی مبادلات زیادی با یکدیگر دارند. بدون این مبادلات، بازاری وجود نخواهد داشت» (Burt, 2000: 348). این افراد، شبکه‌ای از مبادلات اقتصادی را سامان می‌دهند که در آن، کالاهای اقتصادی مبادله می‌شوند. هینز لوباز (۱۹۹۵) بر این باور است که امروزه هر چند اصطلاح بازار را برای اشاره به کل فعالیت‌های اقتصادی شامل تولید، توزیع و گردش چیزها مانند انتشار مبادلات و همین‌طور در اشاره به افراد و شرکت‌هایی که در این فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند به کار می‌برند اما برای آدام اسمیت، منظور از بازار اشاره به یک مکان یا یک شبکه‌ای بود که در آن، افراد با یکدیگر به مبادله می‌پردازند (Lubasz, 1995: 51). بدین معنا، در تلقی اسمیت به‌عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد، بازار مکان حضور شبکه‌ای از کنشگران اقتصادی است که با یکدیگر به مبادله می‌پردازند.

به‌عنوان مثال نان لین^۵، یکی از مشهورترین تحلیل‌گرانی است که شبکه‌های اجتماعی را از منظر سرمایه اجتماعی تحلیل می‌کند. لین در این مورد بحث می‌کند که ساختار کلان اجتماعی نوعی ساختار سلسله‌مراتبی است که از طریق تخصیص منابع متعددی چون ثروت، موقعیت اجتماعی و قدرت تعیین می‌پذیرد (Lin et al., 1981: 398). لین استفاده از ارتباطات اجتماعی و روابط اجتماعی برای دستیابی به اهداف را حیاتی می‌داند. از این نظر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی که از طریق این ارتباطات فراهم می‌شود، برای دستیابی به اهداف افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع بسیار مهم است (Lin et al., 2001: 119). به نظر لین، سرمایه اجتماعی، مجموع منابعی است که در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی، دارایی‌های موجود در شبکه‌هاست و در شبکه‌ها و روابط ریشه دارد (Lin, 1999: 28-30). اندیشه پشتیبان این نگاه، بسیار ساده است: سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و انتظار برای بازگشت سود.

با وجود پیچیدگی مفهوم‌پردازی و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، مطالعات عدیده‌ای سعی در نشان دادن اثر سرمایه اجتماعی بر رشد و رفاه اقتصادی و رونق بازارهای سرمایه داشته‌اند. برای مثال بانک جهانی شاخص درجه باور و اعتقاد (اطمینان‌پذیری) را به‌عنوان مقیاسی از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند که رابطه مثبتی با میزان بالاتر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارد (World Bank, 1997). از نظر ناک و کیفر میان رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد و اعتماد به‌عنوان یک متغیر کلیدی در تبیین رشد اقتصادی کشورها به

شمار می‌رود. آن‌ها پس از انجام مطالعاتی در مورد تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی به این نتیجه رسیدند که ۱۲ درصد افزایش اعتماد در بین مردم، موجب افزایش یک درصدی درآمد سالانه می‌شود (Knack & Keefer, 1997: 1251-1288).

لاپورتا نیز پس از مطالعاتی که طی دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۳ انجام داد به این نتیجه رسید که وجود اعتماد بین مردم رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی و توسعه بازارهای سرمایه دارد (La Porta, 1997: 333-338). هونگ و آستین هم به این نتیجه رسیدند که در امریکا افرادی که همسایگان خود را می‌شناسند نرخ‌های مشارکت بالاتری در بازار سرمایه دارند (Hong & Stein, 2001: 58-83).

به‌طور کلی، از آنجاکه قراردادهای مالی قراردادهایی ذاتاً اعتماد محورند، سرمایه اجتماعی تأثیرات عمده‌ای بر توسعه مالی دارد (یحیی زاده‌فر و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹). سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند باهم و در تعامل با یکدیگر به رشد و پویایی برسند (خوش‌فر و میرزاخانی، ۱۳۹۵: ۸).

پاتنام^۱ در سال ۱۹۹۳ نقش سرمایه اجتماعی را در مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا مورد مطالعه قرار داد. او تعداد نهادهای مدنی داوطلبانه را به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در نظر گرفت و پی برد که تعداد آن‌ها در مناطق شمالی بسیار بیشتر است و به‌علاوه سرمایه اجتماعی را عامل اختلاف فراوان درآمد در این دو منطقه دانست. در سال ۲۰۰۳ نیز پاتنام همان مقیاس اندازه‌گیری تعداد سازمان‌های داوطلبی را برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در ایالات متحده به‌کار برده و نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی در امریکا با شتاب در حال سقوط است (فرانکوئیس، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸). مطالعات پاتنام نشان داد که فقر و غنای مناطق را می‌توان پیامدی از فقر و غنای سرمایه اجتماعی آن‌ها دانست. بر مبنای مطالعات پاتنام، چگونگی عملکرد سرمایه اجتماعی در بازار سرمایه کشورها را می‌توان بر اساس متغیرهایی مثل اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان شهروندان تعریف کرد. سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، کمک می‌کند تا شهروندان بتوانند ارتباطات پایدار و مؤثری را شکل دهند. سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع اقتصادی و بازار سرمایه قرار می‌گیرد و

بستر و فضایی ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه‌های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آن‌ها نیز افزایش یابد (Putnam, 1995: 65-78).

گیوسو، لویی جی و زینگالس سرمایه اجتماعی را با استفاده از شاخص‌های متعددی از قبیل سطح مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها، حضور در انتخابات و روابط شهروندی اندازه‌گیری کردند. آن‌ها دریافتند که در ایتالیا سطح سرمایه اجتماعی کاملاً با توسعه مالی ارتباط دارد و در جایی که سرمایه اجتماعی بیشتر است، افراد سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در بازار سرمایه انجام می‌دهند و دستیابی بیشتری به مؤسسات مالی رسمی دارند (Guiso et. al, 2001: 7563).

۱-۳- سرمایه و ارتباطات: نقش بازار سرمایه در تقویت سرمایه اجتماعی

۱-۳-۱- افزایش ارتباطات

در بازار سرمایه یکی از مهم‌ترین مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی با خرید سهام و اوراق بهادار شرکت‌ها و یا واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری و حضور در مجامع آن‌ها و مشارکت در انتخاب مدیران و اخذ تصمیمات مشترک دیگر جهت اداره آن بنگاه‌های اقتصادی تحقق می‌یابد. پیگیری اخبار و اطلاعات شرکت‌ها و صندوق‌ها، مشارکت در سیاست‌گذاری آن‌ها و ... در معیت سایر سهامداران و فعالان بازار سرمایه به تدریج زمینه حضور در شبکه فعال اجتماعی را فراهم می‌کند. ضمن آنکه موجبات تقویت روح مشارکت جمعی اشخاص را فراهم می‌آورد نقش مهمی در جامعه‌پذیری و در پی آن، گسترش ارتباطات و تعاملات اجتماعی و به عبارتی افزایش سرمایه اجتماعی گردد.

چنانکه پیش‌ازین اشاره شد، سرمایه اجتماعی در سه کلمه «ارتباطات مهم است» خلاصه می‌شود. مردم زمانی که با یکدیگر ارتباط دارند، کارهایی انجام می‌دهند که به تنهایی قادر به انجام آن نیستند یا برای انجام آن دچار مشکل می‌شوند. هنگامی که مردم شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده و با اعضای آن شبکه که ارزش‌های مشترکی دارند رابطه برقرار می‌کنند این شبکه‌ها به‌عنوان منابعی تلقی می‌شود که سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. بدیهی است با این تعریف از سرمایه اجتماعی، بازار سرمایه با برخورداری از ابزارها و نهادهای مالی مشارکتی خود که اصولاً مبتنی بر سازوکارهای دمکراتیک و تعامل جویانه است نقشی ممتاز در بازتولید

سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند و چنانچه شهروندان با بهره‌مندی از فرصت‌های مختلف این بازار و به مشارکت طلبیدن سایرین به تقویت روح مشارکت جمعی، جامعه‌پذیری و با آموزش مفاهیم و مبانی اقتصادی و اجتماعی در بازار سرمایه بپردازد، نهادهای مالی مشارکتی را به منبع مؤثر تولید سرمایه اجتماعی در جامعه بدل می‌کند که واجد آثار و نتایج ثمربخش فراوانی است زیرا زمینه‌های ذهنی هر فرد به تدریج در بستر چنین تعاملاتی شکل می‌گیرد نهادهای مشارکتی بازار سرمایه با ترویج مفاهیم و ارزش‌های مشارکت‌طلبانه و تمرین آداب دموکراتیک اجتماعی می‌توانند به تولید سرمایه اجتماعی بیفزایند و حسن روابط و اعتماد دوسویه شهروندان را تقویت کنند که در مجموع به سلامت روانی - اجتماعی جامعه منجر می‌شود. بنا به نظر یکی از اندیشمندان علوم اجتماعی با افزایش بسیاری از ناهنجاری‌های و آسیب‌های اجتماعی و ... با مسئله کمبود سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم دارد. افزایش چنان مشکلاتی در جامعه ناشی از کم شدن روابط و مناسبات اجتماعی مؤثر است. وی یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را در استفاده از آمار انحرافات اجتماعی می‌بیند (فوکویاما، ۱۳۷۸: ۵۶).

۱-۳-۲- تقویت تشکل‌ها

فعالیت در بازار سرمایه مبتنی بر تشکل‌های حقوقی مشارکتی جدید نظیر شرکت‌های سهامی و نهادهای مالی مشارکتی است که با برخورداری از مقررات اجماعی و امضایی اعضا موجب تجمع منابع و تدبیر جمعی اعضاء خود در ارتقاء سطح بهره‌وری می‌گردند و البته زمینه پایداری و تداوم بیشتری بنگاه‌های اقتصادی را نیز فراهم کند و روابط سازمان‌یافته‌ای بین اعضای خود به صورت پایدار ایجاد می‌کند که زمینه تولید و انباشت سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند. همچنین، شرکت‌های عمومی اقتصادی در قالب تأسیس شرکت‌های سهامی و نهادهای مالی مشترک، امکان تجمع منابع مالی طبقات ضعیف و متوسط را جهت سرمایه‌گذاری در فرصت‌ها و طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری با مزیت نسبی فراهم می‌کند. این امکان تجمع که فواید آن نصیب خانواده‌های با درآمد متوسط و پایین می‌شود و بدین ترتیب، با چنین ساختار سرمایه‌گذاری فقر و ناداری عمومی نیز کاهش می‌یابد و به تدریج زمینه ارتقاء سطح معیشتی و بهبود شرایط کیفی طبقات متوسط تقویت می‌گردد. بی‌شک چنین

رویه‌ای می‌تواند با کاهش تفاوت‌های فاحش ثروت بین شهروندان از تنش‌ها و نابرابری‌های اجتماعی بکاهد و اسباب امنیت و آرامش و سرمایه اجتماعی را نیز بیشتر فراهم کند باشند (عبده تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۴).

۱-۳-۳- افزایش مشارکت اجتماعی

اشخاص با خرید سهام و اوراق بهادار شرکت‌ها و حضور در مجامع آن‌ها و مشارکت در انتخاب مدیران و اخذ تصمیمات مشترک نوعی مشارکت عمومی در حوزه‌های اقتصادی نیز تجربه می‌کنند. بی‌شک پیگیری اخبار و اطلاعات شرکت‌ها و مشارکت در سیاست‌گذاری آن‌ها و... در معیت سایر سهامداران در تقویت روح مشارکت جمعی شهروندان تأثیرگذار بوده و باعث ترویج مفاهیم و ارزش‌های مشارکت‌طلبانه و تمرین آداب دموکراتیک سیاسی و اجتماعی می‌گردد و می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی بیانجامد که حسن روابط و اعتماد دوسویه شهروندان و مشارکت آگاهانه سیاسی و اجتماعی آنان را در پی خواهد داشت. میدان مشارکت اقتصادی، اولین و مهم‌ترین عرصه مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی است. مردم اگر در صحنه اقتصاد که با منافع مستقیم آن‌ها سروکار دارد مشارکت نکنند نمی‌توان انتظار داشت که در شکل‌های سیاسی و فرهنگی حضور فعال داشته باشند. اگر به شرکت در جلسه مجمع عمومی مجتمع مسکونی که در آن زندگی می‌کنند متمایل نباشند؛ اگر در مجمع عمومی شرکت سهامی عامی که سهام آن را خریداری کرده‌اند، حاضر نشوند؛ چگونه می‌توان توقع داشت که در حزب سیاسی، شورای محله و یا یک گروه فرهنگی که در آن منافع غیرمستقیم دارند حضور یابند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲).

۲- بازار سرمایه و سرمایه اجتماعی: بررسی تجربی

امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دولت‌ها در پی راهکارهایی برای افزایش ظرفیت‌های تولیدی، کاهش نرخ بیکاری، کنترل حجم نقدینگی و افزایش درآمدهای مالیاتی هستند. یکی از این راهکارها، ایجاد بازارهایی مانند بازار بورس و اوراق بهادار به‌عنوان بازاری است که بسیاری از شرکت‌ها به حضور در آن در جهت بهره‌مندی از مزایا متمایل دارند (تک روستا، ۱۳۸۷: ۷۸). آن‌چنان‌که در بخش قبل اشاره شد، به جهت حضور فشرده

سرمایه‌گذاران در مکانی به نام بازار بورس، ارتباط و تعامل میان آن‌ها در درون بازار و خارج از آن، بر کیفیت عملکرد این بازار تأثیر زیادی خواهد داشت. این به معنای مهم بودن سرمایه اجتماعی یا اجزاء آن یعنی ارتباط، اعتماد و هنجارها در عملکرد بازار بورس هر کشور است. به‌عنوان یک نمونه، وجود یا فقدان اعتماد میان دسته‌ای از فعالان اقتصادی می‌تواند کیفیت معاملات آن‌ها را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً تجار الماس در نیویورک که به شاخه یهودیان ارتودکس تعلق دارند، جهت انجام معاملات خود از قرارداد استفاده نمی‌کنند و اعتماد میان آن‌ها جهت انجام معاملات کافی است. در واقع اعتماد درون‌گروهی موجب توسعه فعالیت‌های مالی میان فعالان چنین بازارهایی می‌شود (یحیی زاده‌فر و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹). در این بخش تلاش می‌شود تا مطالعاتی موردبررسی قرار گیرند که چنین ارتباطی را به‌صورت تجربی نشان داده‌اند.

صمدی (۱۳۸۸) در مقاله «سرمایه اجتماعی و توسعه مالی: اقتصاد ایران ۱۳۸۵-۱۳۵۰»، در تحلیل رابطه بلندمدت بین سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۸۵ با استفاده از روش هم‌جمعی گریگوری-هانسن و جوهانسن-جوسلسیوس و در نظر گرفتن چهار شاخص نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به حجم پول، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، نسبت ارزش کل سهام مبادله شده به تولید ناخالص داخلی واقعی و نسبت خالص مطالبات سیستم بانکی از بخش خصوصی به کل خالص مطالبات سیستم بانکی از بخش‌های خصوصی و دولتی، نشان می‌دهد که مخدوش شدن حقوق مالکیت و نزول سرمایه اجتماعی از جمله موانع عمده توسعه مالی در ایران محسوب می‌شوند.

آذری (۱۳۸۵) در پایان‌نامه «تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی» تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی را بررسی کرده و به این نتیجه دست پیدا کرده که اعتماد اثر مثبتی بر عملکرد اقتصادی داشته و توضیح‌دهنده بخشی از کارایی عوامل تولید بوده است.

پاپایوانا^۹ (۲۰۱۳) در بررسی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ به این نتیجه رسید که در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالاتر، دسترسی افراد به منابع مالی بانکی بالاتر بوده و این مناطق از بازارهای سرمایه توسعه‌یافته‌تری برخوردارند. گویزو^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۴) پس از بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مالی بازار

سرمایه مناطقی از ایتالیا و انجام مطالعه بر روی بیش از ۳۲۰۰۰ خانوار بر اساس تکنیک‌های پنل دیتا در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۹ به این نتیجه دست یافتند که در مناطق با سرمایه اجتماعی بالاتر، تمایل به استفاده از چک، سرمایه‌گذاری در بازار سهام و دسترسی به اعتبارات رسمی در میان خانوارها بیشتر و تمایل به سرمایه‌گذاری در وجه نقد و استفاده از وام‌های غیررسمی توسط افراد خانوار کمتر است. همچنین در مناطقی با افراد دارای تحصیلات پایین‌تر و اجرای قانونی ضعیف‌تر اثر سرمایه اجتماعی بیشتر بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش اثر سرمایه اجتماعی بر روی انتخاب‌های مختلف مالی خانوارها از جمله چک، تخصیص سبد دارایی، دسترسی به وام‌ها، اعتماد به وام‌های غیررسمی و... بررسی شده است. برآورد نتایج این مقاله نیز گویای وجود همبستگی مثبت شدید بین معیارهای اعتماد و شاخص‌های توسعه مالی است.

گرتسن^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۴) پس از بررسی نقش هنجارهای اجتماعی در تشریح دلایل تفاوت توسعه مالی در کشورهای مختلف، به این نتیجه دست یافتند که هنجارهای اجتماعی در تأمین وجوه بازارهای سهام اهمیت ویژه‌ای دارند. این بررسی همچنین نشان داد که هنجارهای اجتماعی می‌توانند در حفاظت از حقوق صاحبان سهام نقش مؤثری را ایفا کرده و از این طریق بر توسعه مالی در بازار سرمایه تأثیرگذار باشند؛ در مجموع هنجارهای اجتماعی ارتباط معناداری با کل سرمایه بازار سهام دارند و سطح بالاتری از اعتماد می‌تواند منجر به توسعه بازار سرمایه و بازار سهام گردد.

بولیلا^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۸) پس از بررسی وضعیت ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مابین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۰، به این نتیجه دست یافت که ارتباط میان افراد و اعتماد به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر فرآیند توسعه مالی بر فعالیت‌های اقتصادی و بازار سرمایه اثرگذار است.

سنگیر^{۱۳} (۲۰۱۱) در تحلیل رابطه بین اعتماد و توسعه مالی در کشورهای منتخب دریافت که بین اعتماد و توسعه مالی رابطه معناداری وجود داشته و افزایش اعتماد موجب ارتقا شاخص‌های توسعه مالی و اقتصادی می‌شود.

همچنین مطالعات انجام‌شده توسط ناک و کیر^{۱۴} (۱۹۹۷) بر روی اقتصاد بازار ۲۹ کشور

بر اساس دو معیار «اعتماد» و «هنجارهای مدنی»، نشان داد که در کشورهای با نظام مالی کمتر توسعه یافته، تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی برجسته تر از سایر کشورها است؛ همچنین در کشورهای با میزان درآمد بالا و داشتن نهادهای کنترل کننده اعمال حریصانه مدیران و نیز جمعیت باسوادتر و از لحاظ قومی یکنواخت تر، قوی تر بوده است. متغیرهای سرمایه اجتماعی ارتباط قوی و معناداری با رشد اقتصادی داشته و تغییر در اعتماد موجب انحراف فرآیند رشد اقتصادی شده است. ناک و زک^{۱۵} (۲۰۰۱) چند سال بعد به گسترش مطالعه ای که با کیفی انجام داده بود پرداخت. زاک^{۱۶} و ناک با افزودن ۱۲ کشور به نمونه ناک و کیفی و افزایش نمونه مورد نظر به ۴۱ کشور، به انجام بررسی ها در بازه زمانی ۱۹۹۲-۱۹۷۰ بر اساس همان دو معیار «اعتماد» و «هنجارهای مدنی» پرداخته به این نتیجه رسیدند که در این کشورها همچنان اعتماد اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی دارد.

کالدرون^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۱) در بررسی رابطه بین اعتماد و توسعه نهادهای مالی در ۴۸ کشور در فاصله سال های ۱۹۸۰-۱۹۹۴ نشان داد که اعتماد با تعمیق مالی رابطه معنادار و مثبتی داشته و افزایش اعتماد موجب توسعه فعالیت های بازار سرمایه می شود.

بیوان کیچو^{۱۸} (۲۰۰۳) در مطالعه خود به معرفی سه مدل از اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورها می پردازد. در این مدل ها، تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی به واسطه این مفاهیم دسته بندی و بیان شده است: (۱) تأثیر بر انباشت سرمایه انسانی و رشد؛ (۲) تأثیر بر توسعه مالی از طریق اثرات آن بر اعتماد جمعی و هنجارهای اجتماعی؛ (۳) تسهیل شبکه سازی بین بنگاه ها و خلق و ایجاد نوآوری و تکنولوژی. وی در مقاله خود مدل های استاتیک مقایسه ای و مدل های پویا را از تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بیان می کند، که این خود زمینه ای برای بررسی تفاوت بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی کشورهای مختلف را ایجاد می کند.

دیندا^{۱۹} (۲۰۰۷) با استفاده از شاخص اعتماد و داده های بررسی های ارزش جهانی، رابطه بین اعتماد و رشد اقتصادی و توسعه مالی را طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰ بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته که سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی اثر مثبتی بر سطوح درآمد اقتصادی داشته و تمایل افراد به سرمایه گذاری مشترک در بازارهای مالی را تقویت می کند.

سودا و ایشیس^{۲۰} (۲۰۰۵) در مقاله خود به بررسی مدل سولو و تعمیم یک نهاده سرمایه اجتماعی به آن و مطالعه بر روی کشورهای OECD در جهت تعیین نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌باشند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، در کنار سرمایه فیزیکی و انسانی دارای اثر مثبت و قابل توجهی در رشد اقتصاد و بازارهای سرمایه است.

کارل^{۲۱} (۲۰۱۶) در مقاله خود به بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی، اعتماد و عملکرد شرکت‌ها در زمان بحران‌های مالی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ می‌پردازد. بر اساس نتایج این تحقیق شرکت‌هایی که از لحاظ شاخص شدت سرمایه اجتماعی (CSR) در جایگاه بالاتری قرار دارند، به میزان ۴ الی ۷ درصد بازدهی سهامشان بیشتر از سایر شرکت‌ها است و از نظر شاخص‌هایی مانند سودآوری، رشد و فروش به نسبت کارمندان درگیر در فرآیند تولید دارای جایگاه بهتری هستند. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق اعتماد بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران و سهام‌دارانشان توسط سرمایه اجتماعی ایجاد و به‌خصوص در زمان‌های بروز شوک‌های اقتصادی دارای اثرات بسیار قابل توجهی در زمینه اقتصادی خواهد بود.

فردهلم^{۲۲} و تقوی^{۲۳} (۲۰۰۶) طی یک کار پژوهشی به بررسی اثرات توسعه سیستم مالی و بازار سرمایه بر سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در گرجستان به‌عنوان کشوری در حال توسعه با استفاده از مدل سه مرحله‌ای تشخیص بازار سرمایه (CMD) پرداخته‌اند. آن‌ها در گام اول خود شرایط لازم برای توسعه بازارهای سرمایه از جمله نقش امنیت و حاکمیت قانون را مورد بررسی قرار داده و در گام دوم لیستی از عواملی که باعث تسهیل یا ممانعت این فرآیند می‌شوند را تهیه کرده‌اند. سپس در گام آخر به انجام مطالعات میدانی و ارزیابی نحوه عملکرد مؤسسات مالی کشور گرجستان و تطبیق مطالعات خود با آن‌ها پرداختند. نتایج این کار پژوهشی نشان می‌دهد که عملکرد ضعیف بازار سرمایه در گرجستان باعث عدم ایجاد اعتماد متقابل، فقدان و ضعف سرمایه اجتماعی، علایق قانونی ضعیف، دانش اندک سرمایه‌گذاران داخلی، تمایل به سرمایه‌گذاری‌های شخصی و خانگی و سیستم باننشستگی ناکارآمد شده است که منجر به هدایت سرمایه‌ها به بازار سرمایه نمی‌شود.

فئور^{۲۴} (۲۰۰۴) پس از انجام کار پژوهشی خود اثبات می‌کند که با وجود مطالعات متعدد صورت گرفته در زمینه بررسی ارتباط میان بازار سرمایه و سرمایه اجتماعی و نقش آن در

توسعه اقتصادی، همچنان با توجه به فراگیری و حوزه اثرگذاری وسیع قابلیت انجام تحقیقات بسیاری در این حوزه وجود دارد. وجه تمایز این مطالعه با سایر مطالعات انجام گرفته در این حوزه در بررسی تأثیر بازار سرمایه بر سرمایه اجتماعی و روابط اجتماعی روزمره است. نویسنده پس از بررسی روابط اجتماعی روزمره و اطلاعات محلی مربوط به دو روستا در کامبوج به این نتیجه می‌رسد که تقویت بازار سرمایه و افزایش درآمدهای حاصل از آن موجب بهبود وضعیت معیشت و کسب‌وکار مردم، افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود وضعیت ارتباطی مردم، بالا بردن میزان وحدت اثربخشی جمعی و تضمین بقای سیاسی و اجتماعی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش (که منطبق با تحقیقات رابرت پاتنام (۱۹۹۵) است) می‌توان گفت شاخص سرمایه اجتماعی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی و بازار سرمایه است. بازار سرمایه از طریق متغیرهایی مثل اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی، تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارد و هرچقدر سرمایه اجتماعی قوی‌تر باشد بازار سرمایه نیز تقویت خواهد شد. این رابطه به معنای هم‌افزایی بازار سرمایه و سرمایه اجتماعی است.

از سوی دیگر بسترهایی همچون گروه‌های مدنی که امروزه با گسترش ارتباطات سیار، بسیار اهمیت یافته‌اند، می‌توانند با تقویت سرمایه اجتماعی رشد پیدا کنند. به تعبیر دیگر، مبنای سرمایه اجتماعی در ویژگی‌های جمعی و ساختاری یک جامعه نهفته است و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنا پیدا می‌کنند که بیش از یک نفر در آن سهمیم باشد (مانند گروه‌های داوطلبان). با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت بازارهای پررونق سرمایه، محصول سرمایه اجتماعی قدرتمندی هستند که در جامعه وجود دارد؛ هرچند می‌توان به مواردی از جمله تحولات بازار سرمایه و مخصوصاً بازار بورس ایران در طول چند سال اخیر نیز اشاره کرد که رونق بازار سرمایه عمدتاً به دلیل نیازهای مالی دولت اتفاق افتاده است. این موضوع، نیازمند پژوهش مجزایی است.

از طرف دیگر، مشارکت افراد در بازارهای سرمایه نیز به‌نوبه خود می‌تواند با تقویت

روحیه مشارکتی و تقویت ارتباط‌های میان افراد، به افزایش سرمایه اجتماعی در سطح خرد یعنی سرمایه اجتماعی خانواده‌ها نیز کمک کند. در شکل زیر این رابطه نشان داده شده است.



شکل (۱) رابطه مفهومی بازار سرمایه و سرمایه اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق

تقویت بازار سرمایه، راهبردی است که می‌تواند ثمرات زیادی برای بخش‌های مختلف جامعه داشته باشد. تقویت این بازار به مدد تقویت سرمایه اجتماعی، رویکرد نظری است که این نوشتار تلاش داشت تا بر آن تأکید کند. استدلال ما این بود که سرریز آثار مثبت تقویت سرمایه اجتماعی در بازار سرمایه و توسعه اقتصادی تجلی پیدا می‌کند. همین‌طور، یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی نیز، کمک به شکل‌گیری بازارهای سرمایه‌ای است که در آن، مشارکت بخش مهمی از شهروندان جلب می‌شود. اینکه چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی که سرمایه‌ای بر خواسته از سنت‌های مدنی یک جامعه و متأثر از سیاست‌ها و تجربه زیسته روزمره مردم است را تقویت کرد، و اینکه چگونه می‌توان مبانی فکری و الزامات قانونی و

سیاسی توسعه بازارهای سرمایه را شکل داد و چه گام‌هایی را باید در مسیر تقویت بازار سرمایه برداشت پرسش‌هایی هستند که پژوهش‌های بعدی می‌توانند به آن‌ها پاسخ دهند.

یادداشت

۱. دارایی "Asset" در اصطلاح حقوقی علاوه بر اموال، بدهی‌های اشخاص را نیز درمی‌گیرد بدین معنی که مجموعه‌ای مرکب از دو جزء مثبت و منفی است و جزء مثبت آن از اموال و حقوق مالی شخص تشکیل می‌گردد و جزء منفی دارائی شامل کلیه تعهدات و دیون مالی است. بنابراین، دارائی نه تنها شامل اموال منقول و غیر منقول شخص است، بلکه بدهی‌های مالی او نیز جزئی از دارائی را تشکیل می‌دهند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۷) اما در عرف و در اصطلاح حسابداری و مالی، دارایی به اموالی که دارای ارزش مبادله‌ای باشد اطلاق می‌شود و به دو گروه تقسیم می‌شود: دارایی که بصورت عینی و مشهود "tangible" است مانند زمین، ساختمان و ماشین‌الات که به آن دارایی فیزیکی می‌گویند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۸۳). به این نوع دارایی در حقوق، اموال مادی گفته می‌شود. گروه دوم دارایی نامشهود "intangible" است که نماینده حق قانونی نسبت به منفعتی در آینده است و دارایی‌های مالی نظیر اوراق بهادار نیز در زمره آن قرار می‌گیرد. این گروه در حقوق به اموال غیر مادی یا حقوق مالی شناخته می‌شوند.
۲. برای مطالعه بیشتر نمونه‌ای از تعریف‌ها، ر.ک: عطار، ۱۳۹۱.
۳. برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه سرمایه اجتماعی در نظریه بوردیو، ر.ک: عطار، ۱۳۸۷.

4. embeddedness
5. Economic Action and Social Structure
6. Market Analysis
7. Nan Lin
8. Putnam
9. Papaioannou
10. Guiso
11. Garretsen
12. Boulila
13. Sangnier
14. Knack & Keefer
15. Zak & Knack
16. Zak
17. Caldron
18. Byeongju

- 19. Dinda
- 20. Sawada and Ishise
- 21. Karl
- 22. Fredholm
- 23. Taghavi
- 24. Feuer

